



شرح دعای چهل و دو صحیفہ سجادیہ

دعای حضرت هنگام ختم قرآن

نویسنده : فاطمہ پورشفیع

تابستان ۹۷

(وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ خْتَمِ الْقُرْآنِ)

فراز اول:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعَنْتَنِي عَلَى خْتَمِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا،

خدایا تو مرا بر ختم کتابت (قران) که انرا بصورت نور فرستادی ، یاری نمودی.

وَ جَعَلْتَهُ مُهَيِّمًا عَلَى كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ،

و تو این کتاب را سرآمد تمام کتب نازله خود قرار دادی .

وَ فَضَّلْتَهُ عَلَى كُلِّ حَدِيثٍ فَصَّصْتَهُ.

و آنرا بر دیگر کتب فضیلت و برتری دادی.

وَ فُرْقَانًا فَرَقْتَ بِهِ بَيْنَ حَلَالِكَ وَ حَرَامِكَ،

و آنرا فرقان (فصل الخطاب) قرار دادی تا بین حلال و حرام تمیز داده شود (جدایی باشد).

وَ قُرْآنًا أَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْكَامِكَ

قرانی که تو آن را در احکام روشن و فصیح کردی.

وَ كِتَابًا فَصَّلْتَهُ لِعِبَادِكَ تَفْصِيلًا،

و آنرا کتابی تفصیلی (برای نکات مهم اخلاقی – اجتماعی – سیاسی- دینی) برای همه بندگان قرار دادی

امام علی(ع) فرمود: در قران اخبار پیشینیان و اخبار آیندگان و احکام امور جاری شما آمده است (نهج

البلاغه حکمت ۳۱۳)

وَ وَحْيًا أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى عَلَيْهِ وَ آلِهِ تَنْزِيلًا.

این کتاب وحی است که فرو فرستادی بر نبی خود محمد(ص)

وَجَعَلَتْهُ نُورًا نَهْتَدِي مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ وَ الْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ،

و تو او را نور هدایت بر ما قرار دادی که از ضلالت و گمراهی و نادانی دور شدیم.

وَ شِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ بِفَهْمِ التَّصْدِيقِ إِلَى اسْتِمَاعِهِ،

تو قرآن درمانی قرار دادی برای آنانی که در برابر ندای قرآن خاموش و در برابر فهمش تصدیق کننده اند. («امام علی(ع) فرمود: قرآن ، درمان بزرگترین دردهاست ؛ درد کفر و نفاق و تباهی و

گمراهی،»)(نهج البلاغه خ ۱۷۶)

امام صادق(ع) به زراره فرمود: هر گاه قرآن در حضور تو خوانده شد، واجب است که گوش فرا دهی و خاموش مانی)

وَ مِيزَانَ قِسْطٍ لَا يَحِيفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ،

و قرآن ترازوی عدلی است که زبانه اش از حق و درستی بر نمی گردد،

وَ نُورَ هُدًى لَا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْهَانُهُ،

و قرآن نور هدایت است که برهانش از دید ناظران و گواهان خاموش نمی شود. (پاسخگوی همه شبهات است)

وَ عِلْمَ نَجَاةٍ لَا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ،

قرآن علمی است نجات دهنده از گمراهی است برای کسی که از سنت الهی پیروی نماید. (پیامبر(ص) فرمود: بدانید که هر کس قرآن را بیاموزد و به دیگران آموزش دهد و به آنچه در آن است عمل کند، من جلو دار و راهنمای او به سوی بهشت هستم. (کنز العمال ۴۰۲۵)

وَ لَا تَنَالُ أَيْدِي الْهَلَكَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعُرْوَةِ عِصْمَتِهِ.

و هر که به دستاویز عصمتش در آویزد دستهای مهالک به او نرسد.

ویژگیهای قرآن :

- تعریف حلال و حرام
- تعریف واجبات و مستحبات و کسب فضائل از طریق مستحبات و دیگر آیات الاحکام
- بیان ناسخ و منسوخ- مانند زناى محصنه که در قرآن برایش حبس ابد آمده (نساء ۱۵) و بعدا با احادیث رجم نسخ شده است.
- رُخصه و عزائم، رُخصه احکام واجب یا حرام است ؛ عزائم هیچ گونه استثنائی در آن نیست "واعبدوا الله و لا تشركوا به شیئا"
- عام و خاص- عام مانند نماز برای عموم و خاص احکام حج که همه مسلمین را شامل نمی شود. مانند استطاعت جسمی و مالی.
- مطلق و مقید، مطلق احکامی بدون قید و شرط – "احل الله البیع" و مقید حکمی که با قید و شرط بیان می شود. "تجارة عن تراضٍ منکم" (نساء ۲۹)
- محکم و متشابه – محکم دلالتش روشن است "قل هو الله احد" – و متشابه آیاتی است که در ابتدای نظر نوعی ابهام و پیچیدگی دارد هر چند به کمک آیات دیگر قرآن تبیین می شود "الی ربها ناظره" چشمه در آن روز به پروردگارش می نگرد. متشابهات باید به محکمت ارجاع داده شود تا معنا استنباط گردد.
- مجمل و مبین- مجمل آیاتی است که دستور به نماز می دهد و رکعات و ارکان آنرا تفسیر نمی کند و پیامبر آنرا تفسیر می کند. حروف مقطعه قرآن غوامض است یعنی در احادیث اسلامی تبیین شده است و این همان مبین است – غوامض کاملا مبهم است و فقط احادیث آنرا مشخص می کند.
- بیان و شناخت گناهان کبیره (مثل شرک و قتل نفس و...) و صغیره (با عنوان اللّم) در قرآن و مجازاتهای بر آن – و ضد گناه طلب توبه و تقوی الهی.

- فاقروا ما تيسر من القرآن- تلاوت قرآن مورد تأکید است. بیشتر خواندن آن به اختیار مردم گذارده شده است. امام علی(ع) فرمود: هر که بخواند صد آیه از قرآن را از هر جا باشد ، بعد از آن هفت مرتبه بگوید "یا الله" پس اگر نفرین کند بر سنگی هر آینه آن سنگ را از جای خود جدا نماید. من قرأ ماه آیه من آی القرآن شاء ثم قال سبع مرّات یا الله فلو دعا علی الصخور فلقها (البته خداوند نفرین بیجا را اجابت نمی کند) (طبرسی - مکارم الاخلاق - قم - شریف رضی ۱۳۹۲ق ص ۳۴۳)
- حفظ قرآن و مرور کردن آن در ذهن. پیامبر(ص) فرمود: هر کس در اندرونش چیزی از قرآن نیست همانند خانه ویران است. (کنز العمال ۲۴۵۲)
- تلاوت قرآن - امام علی(ع) فرمود: بارور شدن ایمان به تلاوت قرآن است (غررالحکم) تلاوت قرآن و یاد گیری ذکر، کلید بهشت و نفی فقر است وهم و غم را در زندگی کم می کند و مفتاح الجنة است. تلاوت قرآن با صوت خوش زیور قرآن است.
- حق تلاوت؛ کسانی که کتاب بر آنها فرستادیم آن را خوانده و حق خواندن آن را (در مقام عمل نیز) بجا آورند، آنان اهل ایمانند و آنها که به کتاب خدا کافر شوند (و حق شناسی نکنند) آن گروه زیانکاران عالمند. الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۲۱ بقره)
- آداب قرائت قرآن ، تمیز کردن دهان ، أعوذ بالله من الشيطان الرجيم ، (درهای معصیت را با استعاذه ببندید و درهای طاعت را با تسمیه (بسم الله الرحمن الرحيم)
- تدبّر، أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا- (محمد؛ ۲) آیا منافقان در آیات قرآن تفکر نمی کنند یا بر دلهایشان خود قفلها (ی جهل و نفاق) زده اند. اگر در قرآن خواندن تدبّر نباشد ، چیزی نیست.
- خشوع ، قرآن را با آواز حزین بخوانید زیرا که آن با صوت حزین نازل شده است.
- تلاوتهای ممنوع، پیامبر(ص) فرمود: قرآن را با لحنها و آوازهای عرب بخوانید و از بکار بردن لحنهای فاسقان و گنهکاران دور کنید(کافی ۴/۲/۳۶۱*)

● قرآن عدة ای را لعن کرده است. پیامبر(ص) فرمود: قرآن نه به تلاوت است و نه به دانستن روایت آن- بلکه قرآن به هدایت است و فهمیدن آن (کنز العمال ۲۴۶۲)

● قرآن و پرهیز از تفسیر به رأی. پیامبر(ص) فرمود: به من ایمان نیاورده است کسی که سخن مرا بر اساس رأی خودش تفسیر کند(اهل سنت) که با تفسیر به رأی بیراه رفتند و گمراه شدند..(معانی الاخبار ۱/۲۳۲)

● وجوه قرآن- پیامبر(ص) فرمود: وجوه قرآن گوناگون است پس آن را بر بهترین وجوهش عمل و معنا کنید. (کنز العمال ۲۴۶۹) امام علی(ع)، هنگامی که عبدالله بن عباس را برای گفتگو با خوارج و اقامه حجت بر آنان فرستاد، به او فرمود: با آنان به وسیله قرآن ستیزه مکن زیرا قرآن وجوه گوناگونی دارد. تو چیزی می گویی و آنها چیزی می گویند، بلکه با آنان به وسیله سنت احتجاج کن، زیرا که آنان در برابر سنت راه گریزی و توجیهی ندارند.(نهج البلاغه خ ۷۷)

● ویژگی قرآن و سوره حمد، ام القرآن، ام الكتاب، و سبع المثانی،

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هر کس سوره حمد را قرائت کند خداوند به عدد خواندن تمام کتابهایی که از آسمان نازل شده به او ثواب و پاداش عنایت می فرماید.

عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: فاتحة الكتاب تعدل ثلث القرآن.

(مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۳۳۱)

ابن عباس از پیامبر اکرم «صلى الله عليه وآله وسلم» نقل کرده است که: سوره حمد دو سوم قرآن کریم است.

عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم انه قال: لو ان فاتحة الكتاب وضعت في كفة الميزان و وضع القرآن في كفة ارجحت فاتحة الكتاب سبع مرات.

(مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۳۳۰)

در روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آمده است: اگر سوره حمد را در یک کفه میزان و باقی سوره های قرآن را در کفه دیگر قرار دهند، سوره «حمد» هفت برابر سنگین تر است.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله سلم: أيما مسلم قرء فاتحة الكتاب اعطى من الاجر كأنما قرأ ثلثي القرآن و اعطى من الاجر كأنما تصدق على كل مؤمن و مؤمنة.

(مجمع البيان ج ۱ ص ۳۶)

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم: هر مسلمانی که سوره حمد را قرائت نماید، اجری مانند قرائت دو سوم قرآن به او عطا می شود، و نیز اجری مانند صدقه بر مردان و زنان مومن عنایت می شود.
 عن ابی ابن کعب: قرأت علی رسول الله فاتحة الكتاب فقال: والذي نفسي بيده ما انزل الله في التوراة و الانجیل و لا في الزبور و لا في الفرقان مثلها هي ام الكتاب و ام القران و هي سبع المثاني و هي مقسومة بين الله و بين عبده و يعبدہ ما سأل.
 (مستدرک الوسائل ج ۱)

● وعظیم ترین و عدالتخواهانه ترین و ترس آورترین و امید بخش ترین آیه قرآن، آیه الکرسی است. (الرجاء باب ۱۴۴۸)

فراز دوم:

اللَّهُمَّ فَإِذَا أَقَدْتَنَا الْمَعُونَةَ عَلَى تِلَاوَتِهِ،

بار الها ، پس ما را بر تلاوت قرآن یاری فرمودی.

وَ سَهَّلْتَ جَوَاسِي أَلْسِنَتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ،

و تو زبان گره خورده مرا با عبارتهای نیکوی قرآن گشودی.

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرُعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ،

پس ما را از جمله کسانی قرار دادی که حق قرآن را رعایت می کنند.

وَ يَدِينُ لَكَ بِاِعْتِقَادِ التَّسْلِيمِ لِمُحْكَمِ آيَاتِهِ،

و بدین حال با یقین کامل تسلیم محکمت قرآن می شویم.

وَ يَفْرَعُ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ، وَ مُوضَحَاتِ بَيِّنَاتِهِ.

و اقرار می کنیم که متشابهات قرآن خیلی درس آموز است در کنار روایات ، پس با درک متشابهات ، آیات و بیّنات بر انسان روشن می گردد و مایه پناه انسان می گردد و آنگاه هیچ شبهه ای باقی نمی ماند .

فراز سوم:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُجْمَلًا،

بار الها، همانا تو بر نبی خود محمد(ص) قرآن را بطور مجمل نازل کردی.

وَ أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُكْمَلًا،

و تو به او وحی کردی ، علم شگفتیهای خلقت را ، تا آنرا مبین نمایی.

وَ وَرَثَتْنَا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا،

و علم تفسیر را از طریق نبی بما ارث دادی.

وَ فَضَّلْتَنَا عَلَى مَنْ جَهِلَ عِلْمَهُ،

و ما را با علم به قرآن برتری دادی بر هرکس که علم نداشت و پیرو جهلش بود.

وَ قَوَّيْنَا عَلَيْهِ لِتَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِقْ حَمْلَهُ

ما را قدرت دادی بر فهم قرآن و در این زمینه ما را بالا بردی در حالیکه قدرت این همه افتخار را نداشتیم. و تو بر کسی که توانایی زیر بار رفتن فهم آن را نداشت شرافت و بزرگی دادی.

فراز چهارم:

اللَّهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً،

بار الها ، چنانکه دلهای ما را محل فهم قرآن قرار دادی.

وَ عَرَّفْتَنَا بِرَحْمَتِكَ شَرَفُهُ وَ فَضْلُهُ،

و بارحمت خودت شرف و فضل قرآن را بما شناساندی.

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ،

پس با درود بر محمد(ص) خطیب و سخنران بزرگ که ما را به سمت هدایت رهنما بود.

وَ عَلَى آلِهِ الْخُزَّانِ لَهُ،

و بر آل او که خزانه داران جدشان هستند.

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِآثِهِ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى لَا يُعَارِضَنَا الشَّكُّ فِي تَصْدِيقِهِ،

ما را از کسانی قرار بده که معترفند به اینکه قرآن از جانب توست تا شکی در تصدیق قرآن بر ما عارض نشود.

وَ لَا يَخْتَلِجْنَا الزَّيْغُ عَنْ قَصْدِ طَرِيقِهِ

و انحراف ما را از مسیر قرآن دور نکند.

فراز پنجم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَصِمُ بِحَبْلِهِ،

با درود بر محمد و آل او، ما را از کسانی قرار بده که به ریسمان قرآن که همان ریسمان خداست چنگ زنیم.

وَ يَاوِي مِنَ الْمُتَشَابِهَاتِ إِلَى حِرْزِ مَعْقَلِهِ، وَ يَسْكُنُ فِي ظِلِّ جَنَاحِهِ،

و خدایا از قرآن مأوایی برایمان قرار بده که نسبت به متشابهات آن بد اندیشی نکنیم و بیراهه نرویم ، فقط به سنگر محکم ریسمان الهی پناه ببریم و در ظل فهم صحیح قرآن آسوده باشیم.

وَ يَهْتَدِي بِضَوْءِ صَبَاحِهِ، وَ يَقْتَدِي بِتَبَلُّجِ أَسْفَارِهِ،

قرآنی که ما را به روشنی روز هدایت می کند، و به روشنایی صبح اقتدا می کند.

وَ يَسْتَصْبِحُ بِمِصْبَاحِهِ، وَ لَا يَلْتَمِسُ الْهُدَى فِي غَيْرِهِ.

قرآنی که به درخشندگی روز می درخشد و هدایت را در غیر مسیر خود نمی پذیرد.

فراز ششم:

اللَّهُمَّ وَ كَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلِمًا لِلدَّلَالَةِ عَلَيْكَ،

بار الها، تو محمد را برگزیدی با بار علمی ، علمی که تو در اختیارش نهادی (۷۲ علم) تا بر تو اقتدا کند.

وَأَنْهَجْتَ بِآلِهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَيْكَ،

وراههای رضایت‌مندی خود را به آل او آموختی.

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكِرَامَةِ،

با درود بر محمد و آل او ، قرآن را وسیله ای برای ما قرار بده تا به شریف ترین منازل کرامت و عزت برسیم.

وَ سُلِّمًا نَعْرُجُ فِيهِ إِلَى مَحَلِّ السَّلَامَةِ،

قرآن را نردبانی بر ایمان قرار بده بسوی منزلگاه سلامت .

وَ سَبَبًا نُجْزَى بِهِ النَّجَاةَ فِي عَرِصَةِ الْقِيَامَةِ،

قرآن را سبب نجات ما در عرصه قیامت قرار بده .

وَ ذَرِيعَةً نَقْدُمُ بِهَا عَلَى نَعِيمِ دَارِ الْمُقَامَةِ.

قرآن وسیله ای باشد برای قدم نهادن در سرای نعمتهای قیامت و بهشت الهی.

فراز هفتم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ احْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقَلِ الْأَوْزَارِ،

با درود بر محمد و آل او ، بوسیله قرآن بار سنگین گناهان را از ما فروریز.

وَ هَبْ لَنَا حُسْنَ شَمَائِلِ الْأَبْرَارِ،

و ببخش به ما خوشخوئی نیکو کاران را.

وَ اقْفُ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهِ آثَاءَ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ

و ما را به دنبال کسانی روان کن که آثار عبادتشان در کنار قرآن ، شب هنگام و روز هنگام آشکار است.

حَتَّى تَطْهَّرَنَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ بِتَطْهِيرِهِ،

تا اینکه همراهی با قرآن ، تطهیری باشد بر ما از هر گونه چرک و ناپاکی.

وَ تَقْفُوا بِنَا آثَارَ الَّذِينَ اسْتَضَاءُوا بِنُورِهِ،

ما را به دنبال کسانی ببر که با نور قرآن روشنایی طلب می کنند

وَ لَمْ يُلْهِهِمُ الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ فَيَقْطَعَهُمْ بِخُدَعِ غُرُورِهِ.

نه دنبال کسانی که محو آرزوهای دنیایی هستند، و آرزوها و هوسها آنها را از عمل نیکو غافل ساخته، و در ورطه غرور و فریب انداخته است.

فراز هشتم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلْمِ اللَّيَالِي مُونِساً،

با درود بر محمد و آل او ،بار الها، قرآن را برایمان مونس شبهای تاریک قرار بده.

وَ مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ وَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِساً،

بار الها، قرآن را عامل دوری از وسوسه شیطان و خطرات آن که وسوسه اوست دور نگه دار.

وَ لِأَقْدَامِنَا عَنْ نَقْلِهَا إِلَى الْمَعَاصِي حَابِساً،

قرآن مونسی باشد بر حفظ قدمهایمان از پیمودن بسوی گناه.

وَ لِأَلْسِنَتِنَا عَنِ الْخَوْضِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ غَيْرِ مَا آفَةٍ مُخْرِساً،

و قرآن مونسی باشد بر حفظ زبانمان از فرو رفتن در باطل. - آفتهای هلاک کننده و لال کننده.

وَ لِجَوَارِحِنَا عَنِ اقْتِرَافِ الْإِثَامِ زَاجِراً،

قرآن مونسی باشد برای اعضایمان تا از ارتکاب گناهان باز دارد و منع کننده باشد.

وَ لِمَا طَوَّتِ الْعَفْلَةُ عَنَّا مِنْ تَصَفُّحِ الْإِعْتِبَارِ نَاشِرًا،

قرآن مونسى باشد بر طومار عبرت که دست غفلت آن عبرتها را در هم پیچیده.

حَتَّى تُوصِلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهَمَّ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ الَّتِي ضَعَفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِي عَلَى صَلَابَتِهَا عَنِ احْتِمَالِهِ.

تا اینکه بوسیله اتصال به قرآن ، دلهای ما به فهم شگفتیها و عجایب (درک خلقت آفرینش و درک عظمت و حکمت‌های الهی)، متصل گردد و در رفع موانع و سستی‌هایی ، که کوههای محکم و استوار را فرو می ریزد ، دلهای ما را یاری نماید.

فراز نهم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَدِمِّ بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ ظَاهِرِنَا،

با درود بر محمد و آل او، قرآن را آراستگی ظاهری ما قرار بده.

وَ احْجُبْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنِ صِحَّةِ ضَمَائِرِنَا،

بوسیله قرآن وجودمان را سالم و از خطرات وسوسه دور نگه دار.

وَ اغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا

بوسیله قرآن درونمان را شستشو ده.

وَ عَلَاقِقَ أَوْزَارِنَا،

بوسیله قرآن گناهانمان و زنگارها را بشوی.

وَ اجْمَعْ بِهِ مُنْتَشَرَ أُمُورِنَا،

بوسیله قرآن امور نابسامان ما را سامان ده.

وَ أَرُوْ بِهٖ فِي مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَيْكَ ظَمًا هَوَاجِرِنَا،

و بوسیله قرآن و به آب رحمت قرآن سیراب کن ما را در موقف قیامت در آن لحظه ای که تشنگی عارض شده .

وَ اَكْسِنَا بِهِ حُلَّ الْأَمَانِ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ فِي نُشُورِنَا.

به وسیله قرآن بر ما بپوشان لباس امان را در روز فزع اکبر(قیامت) به هنگام بر انگیزته شدن آنها.

فزع الكبر در قرآن:

و يوم ينفخ في الصور ففزع من في السموات و من في الأرض إلا من شاء الله و كل أتوه داخرين؛

(نمل ۸۷)

طبرسی از پیغمبر اکرم(ص) روایت کرد که فرمود::

پروردگار پس از خلقت آسمان و زمین صور را آفریده و به اسرافیل سپرد و او پیوسته نظر به زیر عرش انداخته و منتظر فرمان الهی است که امر کند در صور بدمد.

پرسیدند «ای رسول خدا صور چیست؟» فرمود «آلتی است شبیه به بوق و یا شاخ، اسرافیل سه مرتبه در آن بدمد یکی نفخه فزع است که در این آیه بیان شد دوم نفخه صعق است. و سوم نفخه احیاء که خدای تعالی خلایق را زنده می کند و در نفخه فزع چون در صور بدمد تمام مخلوقات آسمان و زمین بمیرند جز کسانی که خدا بخواهد چنانچه می فرماید:

ما ينظرون إلا صيحة واحد" جز يك فریاد مرگبار] را انتظار نخواهند کشید.(یس ۴۹-)

و در آن وقت کوهها چون ابر در حرکت در آمده و سیر کنند و زمین به جنبش در آید و ساکن نشود چه خدای تعالی زمین را به کوهها ثابت و برقرار نموده چنانچه امیرالمومنین در نهج البلاغه فرمود:

هر زن مرضعه از شیر دادن به طفل خود بازایستد و هر آبستنی از ترس و هراس حمل خود وا بنهد و آنان از خوف خدا برمند و با قطار زمین فرو روند فرشتگان اطفال از هول آن روز پیر شوند و شیاطین را با تازیانه آتشین به جای خود برگردانند خلایق بیهوش شوند فرمان الهی به زمین برسد شکافته شو! شکافته گردد، آسمان مانند زیت برافروخته و ستارگان از آن فرو ریزند آفتاب و ماه گرفته شود.

اصحاب حضورش عرض کردند «ای رسول خدا مقصود از استثناء در جمله **إلا من شاء الله** چه کسانی و هستند؟ فرمود: شهیدین ایشان از هول و هراس ایمنند و در نفخه صعق تمام فرشتگان جز جبرئیل و اسرافیل و عزرائیل میکائیل هلاک کردند آنگاه خطاب رسد از مصدر جلاله به عزرائیل-

"ای عزرائیل من مرگ را بر تمام خلایق واجب کرده ام شما هم بمیرید." سپس به اسرافیل می فرماید :
صور را به عرش بسپار و از جمله مردگان باش." اسرافیل صور را به عرش بسپارد و بمیرد جز
ذات بی زوال پروردگار کسی نماند." در آن وقت می فرماید :

"المن الملك اليوم"؛ امروز ملک و پادشاه برای کیست؟

کسی نیست که جواب گوید ذات اقدسش بفرماید : **الله الواحد القهار**؛ سلطنت و پادشاهی مختص پروردگار
یکتا و بی زوال و مقتدر است. (تفسیر سوره نمل ۸۷)

فراز دهم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْبُرْ بِالْقُرْآنِ خَلْتَنَا مِنْ عَدَمِ الْإِمْلَاقِ، .

با درود بر محمد و آل او ، بوسیله قرآن فقر ما را جبران نما.

وَ سُقِ الْإِنْسَانُ بِرَعْدِ الْعَيْشِ وَ خِصْبِ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ،

روان ساز به سوی ما فراوانی زندگانی را و وسعت رزق را.

وَ جَنَّبْنَا بِهِ الضَّرَائِبَ الْمَذْمُومَةَ وَ مَدَانِيَ الْأَخْلَاقِ،

و ما را از خویهای نکوهیده و اخلاق ناپسند دور ساز.

وَ اغْصِمْنَا بِهِ مِنْ هَوَاةِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النِّفَاقِ

و ما را از گرداب کفر و انگیزه های نفاق و دواعی نفاق حفظ فرما.

حَتَّى يَكُونَ لَنَا فِي الْقِيَامَةِ إِلَى رِضْوَانِكَ وَ جَنَّاتِكَ قَائِدًا،

تا اینکه در قیامت ما را به رضوان توو بهشت تو هدایت نماید.

وَلَنَا فِي الدُّنْيَا عَن سَخِطِكَ وَتَعَدِّي حُدُودِكَ دَانِدَاءُ،

و ما را در دنیا از خشم و غضب و تجاوز از حدودت که تعین کردی باز دارد.

و لِمَا عِنْدَكَ بِتَحْلِيلِ حَلَالِهِ وَ تَحْرِيمِ حَرَامِهِ شَاهِدًا.

و گواه باشد بر آنچه که تو از حلال و حرام بر ایمان تحلیل کردی.

فراز یازدهم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا كَرْبَ السِّيَاقِ،

وَجَهْدَ الْأَنْبِيَاءِ، وَ تَرَادُفَ الْحَشَارِجِ إِذَا بَلَغَتِ النَّفُوسُ التَّرَاقِي،

با درود بر محمد و آل او، به حق قرآن، هنگام مرگ، سختی جان کردن را بر ما آسان گردان، ناله های سخت را آسان گیر. وقتی که جانها به استخوانهای گردن می رسد و نفسها به شمارش در می آیند آنرا آسان گیر.

وَ قِيلَ مَنْ رَاقٍ

و آنگاه که جانها به چنبرهای گردن رسد و گفته شود کیست افسونگر؟ سراغ افسونگر گرفته شود.

وَ تَجَلَّى مَلَكَ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجْبِ الْغُيُوبِ،

و فرشته مرگ برای قبض روح از پرده های غیب تجلی می کند.

وَ رَمَاهَا عَن قَوْسِ الْأَمْنِيَا بِأَسْهُمِ الْفِرَاقِ،

و تیرهای وحشت فراق و مرگ را از کمانهای مرگ پرتاب می کند.

وَ دَافَ لَهَا مِنْ دُعَافِ الْمَوْتِ كَأَسَا مَسْمُومَةَ الْمَدَاقِ،

و جامی زهر آلود برای مرگ آماده شده.

وَ دَنَا مِنَّا إِلَى الْأَخْرَةِ رَحِيلٌ وَ انْطَلَقَ،

و نزدیک است رخت بستن و کوچ کردن به سوی آخرت.

وَ صَارَتْ الْأَعْمَالُ قَلَانِدًا فِي الْأَعْنَاقِ،

و اعمال در گردنمان بصورت طوق آویزان.

وَ كَانَتْ الْقُبُورُ هِيَ الْمَأْوَى إِلَى مِيقَاتِ يَوْمِ التَّلَاقِ.

و قبر ها جایگاهی است تا وقت معلوم قیامت.

نوع جان دادن انسانها:

۱- انسانهای خوبی که راحت جان می دهد.

در روایتی از پیامبر اسلام(ص) که ملک الموت دو شاخه گل برای این فرد می آورد. یکی از آنها باعث نسیان اموال و فرزندان می شود که فرد غصه نخورد- یکی دیگر بویی معطر از حرم الهی دارد . وقتی مؤمن این گل را بو می کند سخاوتمندانه جان می دهد. در بعضی روایتها اشاره شده که این دو شاخه گل نیستند بلکه دو نسیم هستند که از حرم الهی می وزد.

۲- انسانهای خوبی که سخت جان می دهند.

در روایتی از پیامبر(ص) " الموت كفارةٌ لذنوب المؤمنين احياناً" اگر گناहانی بوده که فرد نتوانسته آنرا جبران کند ، با بلاها ، مرضها، و سختی ها و مشگلات در دنیا ، خداوند در آخرین مرحله دنیا این سختی را برای او بوجود می آورد که در این حال بی حساب شود و پاک شود.

۳- انسانهای بدی که راحت جان می دهد. خداوند اجر کسی را ضایع نمی کند. از طرف دیگر خدا قسم یاد کرده که در آن طرف دیگر خبری از خیر و احسان به کفار نیست پس کافری که عمل خیر در این دنیا انجام داده جزای خود را در دنیا می گیرد و جزای او اینست که راحت جان بدهد.

۴- انسانهای بدی که سخت جات می دهند. شیخ عباس قمی نقل می کند: که محدث قمی فرمود: من وارد قبرستان وادی السلام شدم و صدای نعره شنیدم ، اول گمان کردم که شتری را داغ می کنند، هر چه نزدیکتر می شدم صدای نعره بیشتر می شد. دقت کردم ، دیدم ، که اطرافیان نمی شنوند ، و فقط من آن را می شنوم. دیدم جنازه ای را دفن می کنند ، ایشان می گویند ، متوجه شدم که نعره ها از همین جنازه

است. این فرد چه انسان فاسق و فاجری بوده! عذاب او از همین جا شروع شده! اینها انسانهایی بد هستند و بد عمل کردند و همه چیز را پشت سر خود از بین بردند و راه نجاتی برای خود نگذاشتند پس عجیب نیست که بد بمیرند.

خلاصه ای از خطبه ۱۰۹ نهج البلاغه- در تعریف جان دادن؛

انسانی که عاشق دنیا گردد نه چشمی دارد که حقایق را ببیند و نه گوشی دارد که حقایق را بشنود. بنده دنیا به هر سو روی می آورد که دنیا او را بگرداند، نه با نهیب الهی از گناه باز می ایستد و نه از پند دهنده الهی پند می گیرد با آنکه با چشم خود می بیند کسانی را که در حال غفلت گرفتار شدند و به گونه ای که راه توبه و راه پس و پیش نداشتند، چگونه آنچه نمی دانستند بر سرشان آمد، و فراق آنچه از دنیا که بدان خاطر جمع بودند به ایشان دست داد و بر آنچه از امور آخرت وعده داده می شدند وارد گشتند. آنچه بر سرشان آمد وصف ناشدنی است: بیهوشی مرگ و دریغ بر آنچه از دست دادند بر آنان گرد آمد، اعضایشان در برابر آن سست شد و رنگهایشان پرید آنگاه مرگ بیشتر و بیشتر در آنان راه یافت و میان هر یک از آنان و سخن گفتن فاصله افتاد. دی در میان اهل خانه اش در حالی که در بستر مرگ افتاده در سلامت عقل و برجایی خرد با چشم می بیند و با گوش می شنود و با خود می اندیشد که عمرش را در چه چیز تباه کرده و روزگارش را در چه راه به سر آورده؟! به یا ثروتی می افتد که رویهم انباشته از راه حلال و راه مشتبه، حال می بیند پیامدهای ثروت را که به گردنش اویزان است و اینک می خواهد از آن جدا شود نمی تواند. همان ثروتی را که برای عیش و نوش وارثان گذاشته است.

مرگ پیوسته در جسم او راه می یابد تا آنکه زبان و گوشش از کار می افتد، یارای سخن ندارد. یارای شنیدن ندارد. باز هم مرگ بیشتر چنگ می زند، چشم و گوش از کار می افتد و روح از بدنش بیرون می رود. لاشهٔ مرداری که خانواده از ماندن کنار او می هراسند و از نزدیک شدن به او دوری می کنند و او را به قبر می سپارند. نه بلکه به عملش می سپارند.

فراز دوازدهم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَارِكْ لَنَا فِي حُلُولِ دَارِ الْبَلَى، وَطُولِ الْمُقَامَةِ بَيْنَ أَطْبَاقِ
الْثَّرَى

با درود بر محمد و آل او ، خدایا مبارک گردان بر ما در وارد شدن به خانه پوسیدگی و درازای زیستن
بین طبقات خاکی.

خواندن این دعا از امام سجاد(ع) سفارش شده است: **اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِيَ عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَ الْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَ الْإِسْتِعَادَةَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفُوتِ** - استعداد قبل از موت غفلت و دنیا دوستی را نمی پذیرد -
استعداد قبل از موت کفر و الحاد و شرک را نمی پذیرد- استعداد قبل از موت حسنه می خواهد کار نیک
می خواهد - دوری از سیئات می خواهد- استعداد قبل از موت غرور و تکبر را زیر پا له می کند -
استعداد قبل از موت حق الناس نمی پذیرد- استعداد قبل از موت هر چه را برای رضای خدا می خواهد .
توبه می خواهد -توبه نصوح می خواهد - ذلّت نمی پذیرد- گناه نمی پذیرد - استعداد قبل از موت پلی
است گرانها که بر روی دنیا زده شده است و آن پل گذر گاه انسانهای عالم و پاک هست.

وَ اجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا خَيْرَ مَنَازِلِنَا،

بعد از جدائی از دنیا ، قبور ما را بهترین منزل قرار ده.

وَ اَفْسَحْ لَنَا بِرَحْمَتِكَ فِي ضَيْقِ مَلَا حِدِنَا،

وبه رحمت خود تنگی لحدهایمان را گشاده ساز.

وَ لَا تَفْضَحْنَا فِي حَاضِرِي الْقِيَامَةِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا.

و در میان حاضران قیامت نسبت به گناهان هلاک کننده ما را رسوا مگردان.

وَ ارْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِي مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَيْكَ ذُلَّ مَقَامِنَا،

به برکت قرآن در موقفهای عرضه اعمال ما را خوار مگردان.

وَ ثَبَّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَجَازِ عَلَيْهَا زَلَلٌ أَقْدَامِنَا،

و اضطراب هنگام عبور از پل جهنم در روزی که باید از آن عبور نماییم و پاهایمان را که به لرزه می
افتد ، استوار بدار.

وَ نَوِّرْ بِهِ قَبْلَ الْبُعْثِ سُدْفَ قُبُورِنَا،

قبل از بر انگیزته شدن روز قیامت ، قبور تاریکمان را روشنایی بخش .

و نَجِّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

از سختی و اندوه روز قیامت ما را نجات بده .

و شَدَائِدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَةِ

و هولهای سخت روز قیامت.

و بَيِّضْ وُجُوهَنَا يَوْمَ تَسْوَدُ وُجُوهُ الظَّالِمَةِ فِي يَوْمِ الْحَسْرَةِ وَ النَّدَامَةِ،

و روهای ما را در روز حسرت و ندامت ، سفید گردان آنگاه که همه رویها سیاه است .

وَ اجْعَلْ لَنَا فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ وُدًّا،

و مودتی را از ما در دلهای مؤمنین بیفکن.

وَ لَا تَجْعَلِ الْحَيَاةَ عَلَيْنَا نَكْدًا.

و زندگی بر ما را دشوار و سخت و تیره و تار مساز.

فراز سیزدهم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ، وَ صَدِّعْ بِأَمْرِكَ، وَ نَصِّحْ لِعِبَادِكَ.

الهی بر محمد ، بنده تو و فرستاده تو که امر رسالت تو را ابلاغ کرد و امر تو را آشکار ساخت بر بندگانت و آنان را پند داد ، درود و رحمت بفرست.

فراز چهاردهم:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلِسًا،

بار الها، بر نبی و آتش درود بفرست در روز قیامت که مقرب ترین انبیاء از جهت مرتبه و مقام و نزدیکترین پیغمبران به خود،

وَ أَمْكَنَهُمْ مِنْكَ شَفَاعَةً، وَ أَجَلَّهُمْ عِنْدَكَ قَدْرًا، وَ أَوْجَهَهُمْ عِنْدَكَ جَاهًا.

و از جهت شفاعت و میانجیگری (از گناهکاران) برترین ایشان، و از جهت قدر و منزلت بزرگترین آنها،
و از جهت جاه و جلال آبرومندترین آنان نزد خود قرار ده،

فراز پانزدهم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ، وَ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ،

با درود بر مَحَد و آل او پایه های دین او را آبرو ده حجتش را بزرگ دار .

وَ ثَقِّلْ مِيزَانَهُ،

و کفه ترازوی او را سنگین گردان.

وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ،

و شفاعت او را بپذیر.

وَ قَرِّبْ وَسِيلَتَهُ،

و او را وسیله استجابت دعا قرار ده.

وَ بَيِّضْ وَجْهَهُ،

روی او را سفید گردان.

وَ أَتِمِّ نُورَهُ،

نورش را کامل ساز.

وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ

و درجه اش را بالا ببر.

وَ أَحِينَا عَلَى سُنَّتِهِ،

و ما را بر سنت او زنده بدار.

وَ تَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ

ما را بر سنت او بمیران.

وَ خُذْ بِنَا مِنْهَاجَهُ،

ما را در راه روشن او وارد کن.

وَ اسئُكْ بِنَا سَبِيلَهُ،

در طریق او ما را وارد کن.

وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ طَاعَتِهِ،

ما را از اهل طاعت او قرار ده.

وَ احْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ،

ما را در گروه او محشور کن.

وَ أَوْرِدْنَا حَوْضَهُ،

ما را در حوض او وارد کن.

وَ اسْقِنَا بِكَأْسِهِ.

از جامش ما را سیراب گردان.

فراز شانزدهم:

وَ صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَ فَضْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ،

إِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ، وَ فَضْلٍ كَرِيمٍ.

و درود فرست بار خدایا بر محمد و آل او، درودی که به وسیله ی آن به بهترین نیکی و بخشش و بزرگواریت که امیدوار است برسانی، زیرا تو دارای رحمت گشاده و بخشش بزرگی،

فراز هفدهم:

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَغَ مِنْ رِسَالَاتِكَ، وَ وَ أَدَى مِنْ آيَاتِكَ وَ نَصَحَ لِعِبَادِكَ، وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ،

بار الها به سبب ابلاغ رسالتت به او اجر بده. و رساندن آیات و نشانه هایت، که بندگان را پند و اندرز داد، و در راه تو کوشش و کارزار کرد پاداش ده،

أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ الْمُصْطَفَيْنَ، وَ السَّلَامَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

به بهترین پاداشی که به یکی از فرشتگان مقرب درگاه خود داده ای، و به پیغمبران مرسل و برگزیده خود داده ای، و درود و مهربانی و نیکیهای بسیار خدا بر او و بر آل پاک و طاهری او باد.

والسلام على من اتبع الهدى

منابع:

میزان الحکمه (۵ ج فارسی)

نهج البلاغه سید رضی

فرهنگ لغات نوین – و دهخدا

تفسیر قرآن المیزان و نمونه

